

## طرحی نو در طبقه‌بندی علوم

اثر: دکتر غلامرضا فدایی عراقی

استادیار دانشگاه تهران

(از ص ۲۸۷ تا ۳۰۸)

### چکیده:

طبقه‌بندی علوم همواره مورد توجه فلاسفه و دانشمندان بوده و هست. بسیاری از بزرگان دینی و غیر دینی هم در این باب داد سخن داده‌اند. در قرون اخیر، فرهنگ‌نویسی نیز ناگزیر به مسئله تقسیم‌بندی و طبقه‌بندی علوم پرداخته است. در این طرح با استفاده از تجارب قبلی، طرحی جدید و با اتکا و استناد به آیات قرآن مجید داده شده است. این طرح عمدتاً، به تقسیم‌بندی دوگانه توجه کرده و تا چند رده همین روش را حفظ کرده است. در این طبقه‌بندی طبیعت و انسان به عنوان دو محور اصلی تلقی شده و تقسیمات فرعی، زیر این دو محور آمده است.

امتیازات: (۱) الهام از قرآن (۲) بهای ویژه به انسان که مصداق خلیفه الهی و فرمایش حضرت علی است که «و فیک انطوی العالم الاکبر (۳) ساده و قابل فهم برای همه (۴) عمومیت و شمول جهانی بویژه قابل استفاده موحدان (۵) بهره‌برداری از عناصر شناخته شده جهان و انسان (۶) انضمام علوم پزشکی جزو علوم انسانی.

واژه‌های کلیدی: طبقه‌بندی علوم، طبقه‌بندی ارسطویی، قرآن، علوم آفاق (جهان)، علوم انفس (انسان)، آسمان، زمین، انسان، طبقه‌بندی دودویی.

### مقدمه:

طبقه‌بندی علوم همیشه مورد توجه فلاسفه و دانشمندان بوده و هست. از صدر تاریخ تا کنون، بزرگان علم و فلسفه و دین درباره طبقه‌بندی علوم اظهار نظر کرده‌اند. این بدان علت است که ساختمان ذهنی و فکری انسان همواره نیازمند نظم و انتظام بوده و هست. دانش و آموخته‌های انسان باید همواره انتظام لازم را داشته باشد و ارتباط آن با یکدیگر روشن باشد، لذا دانشمندان و فلاسفه چه در آغاز و چه در میان و یا پایان دوره مطالعاتی خویش متعرض این مسئله شده و نظر خویش را در باره تقسیم‌بندی علوم مطرح کرده‌اند. با آنکه نظرات گوناگونی در تقسیم‌بندی علوم ابراز شده و علمای یونان و سپس به دنبال آنان دانشمندان اسلامی و از آن پس فلاسفه اروپایی، درباره تقسیم و طبقه‌بندی علوم اظهار نظر کرده و طرح‌هایی را ارائه نموده‌اند، اما هنوز هم باب اظهار نظر مفتوح است و یک جمع‌بندی کلی که همه بر آن اتفاق نظر داشته باشند، وجود ندارد.

### بیان مسئله:

تقسیم و طبقه‌بندی علوم از مسائل مهمی است که هم فلاسفه و دانشمندان برای سامان دادن به ساختار ذهنی و فکری خویش به آن نیازمندند و هم فرهنگ‌نویسان که به نوعی، درگیر تدوین دانش برای استفاده از آن هستند به آن محتاج‌اند، زیرا نظم بخشیدن و سبک و سنگین و مرتب نمودن و اولویت دادن به امور از جمله دانش و آموخته‌های بشری امری است مطلوب و عقلایی. دانشمندان یونانی به مسئله تقسیم‌بندی علوم بیش از هر کس توجه کرده‌اند؛ افکار مشایی ارسطویی سرآمد تفکر در این زمینه است. مسئله‌ای که پس از گسترش علم و انشعاب آن پیش می‌آید، موضوع احصا و سپس رده‌بندی علوم است. این موضوع از نظر ماهیت تعلیم و تربیت و اخذ نتیجه در فراگیری دانش، کاری بسیار مهم و ضروری است، زیرا دانش ما باید نخست به صورت دقیق انشعاب یابد تا بتوان در

حوزه ویژه هر موضوعی پژوهش کافی به عمل آورد (ابن حزم، ۲۰). طبقه‌بندی متأثر از بینش علمی و فلسفی عصر و زمان پدید آورندگان آن است و این خود به نوعی ما را نسبت به فهم و اعتقاد و اندیشه واضع آن کمک می‌کند و یا به گونه‌ای متأثر از حرفه و علاقه‌ای است که وی به موضوع و موضوعات خاص داشته است. با آنکه دانشمندان اسلامی، در زمینه طبقه‌بندی علوم فعالانه مشارکت داشته و فارابی، کندی، ابن سینا، ابوالحسن عامری، ابن رشد، ابن فریقون، غزالی، خواجه نصیرطوسی و ... تا برسد به ملاصدرا در این برهه کارکرده و نظراتی ابراز نموده‌اند، اما عمدتاً نظرات آنان برگرفته از افکار یونانیان و بعضاً متأثر از اعتقادات دینی صرف و یا مخلوطی از آن دو بوده است. جمعی نیز با توجه به حرفه‌ای که داشته‌اند از قبیل معلمی، کتابت و وزارت طرحهایی را داده‌اند. (جدول یک)

جدول یک: کسانی که در زمینه طبقه‌بندی علوم کارکرده‌اند به ترتیب تاریخ

شماره	نام اشخاصی که طبقه‌بندی داشته‌اند	تاریخ وفات
۱	خلیل بن احمد	قرن ۲ (۱۷۵)
۲	جابر بن حیان	قرن ۲ (۲۰۰)
۳	کندی	قرن ۳ (۲۵۲)
۴	ابوزید بلخی	قرن ۴ (۳۲۲)
۵	شمس‌الدین فریقون	قرن ۴ (۳۲۴)
۶	فارابی	قرن ۴ (۳۳۹)
۷	ابن ندیم	قرن ۴ (۳۸۵)
۸	اخوان الصفا	قرن ۴ (۴ق)
۹	خوارزمی	قرن ۴ (۳۸۷)
۱۰	ابن سینا	قرن ۵ (۴۶۹)
۱۱	بیرونی	قرن ۵ (۴۴۰)
۱۲	ابن حزم اندلسی	قرن ۵ (۴۵۶)
۱۳	غزالی	قرن ۵ (۵۰۵)
۱۴	فخررازی	قرن ۷ (۶۰۶)
۱۵	خواجه نصیرالدین طوسی	قرن ۷
۱۶	قطب الدین شیرازی	قرن ۸ (۷۱۰)
۱۷	أملی	قرن ۸ (۷۴۲)
۱۸	ابن اکفانی	قرن ۸ (۷۴۹)
۱۹	فلفشندی	قرن ۹ (۸۲۱)
۲۰	ابن خلدون	قرن ۹ (۸۵۸)
۲۱	سیوطی	قرن ۱۰ (۹۱۱)
۲۲	طاش کبری زاده	قرن ۱۰ (۹۶۸)
۲۳	ملاصدرا	قرن ۱۱ (۱۰۵۰)
۲۴	حاجی خلیفه	قرن ۱۱ (۱۰۶۷)
۲۵	تهانوی	قرن ۱۲ (۱۱۵۱)

در این طرح با استفاده از آیات قرآن مجید و با عنایت به نظرات و خلقت جهان و فطرت انسان، تقسیم‌بندی جدیدی صورت گرفته، که امید است بتواند تعریفی جامع از علوم داشته باشد.

### اهمیت مسئله:

همچنان که گفته شد، طبقه‌بندی علوم همیشه مطلوب بوده و هست، زیرا خود مبین وحدتی است که ذهن انسان طالب آن است. در صدر تاریخ، و در حکمت یونان، علم یکی بود و به آن فلسفه می‌گفتند. لفظ فلسفه بر مجموعه دانش‌های بشری (نظری و علمی) اطلاق می‌شد. کسانی مثل فیثاغورث، خود را فیلسوف می‌نامیدند و امثال افلاطون و ارسطو بر تمام علوم زمان خود احاطه داشتند (ابن حزم، ۱۴). بنابراین طبقه‌بندی صحیح از دانش بشری، هم وقوف به وحدت علم را میسر می‌سازد و هم، آگاهی لازم را در باره چگونگی تقسیم جداگانه شعب و یا تعیین اندازه دوری و یا نزدیکی این شعبه‌ها را در اختیار ما می‌گذارد (همان، ۱۶). هنوز پس از قرن‌ها برای تدوین دائرةالمعارف مسئله تقسیم‌بندی علوم مطرح و مورد استفاده است. دائرةالمعارف‌ها را با جهان از جهاتی مشابه گرفته‌اند. اما نه از این جهت که جامعیت هر دو مورد توجه است، بلکه از این حیث که این دو مجموعه کلی چگونه با هم مربوط می‌شوند. جهان حاوی هر آنچه هست و هر آنچه قابل داشتن است می‌باشد. دائرةالمعارف نیز، وظیفه گزارشگری آنچه را که هست و یا می‌تواند درباره جهان دانسته شود، به عهده دارد؛ یکی آئینه دیگری است؛ جهان بزرگ در جهان کوچک نمایانده شده است (بریتانیکا، پرویدیا، ۴۷۵).

### پرسش‌های اساسی:

هنوز هم درباره طبقه‌بندی علوم سؤالاتی جدی مطرح است؛ بریتانیکای ۱۹۹۸ در بخش تقسیم‌بندی دانش در بخش دهم کتاب پرویدیا، در مقاله‌ای که توسط

J.Adler \*Mortimery تحت عنوان "دانش"، خودآگاه می‌شود، نوشته شده است، می‌گوید که در تقسیم بندی دانش سه سؤال مهم وجود دارد: اولین سؤال مهم که به اعتقاد وی همواره در طول تاریخ مورد بحث بوده این است که آیا همچنان که ارسطو اعتقاد داشت، باید طبقه‌بندی علوم فلسفه مراتبی باشد. سپس اظهار می‌کند که این مسئله امروز رد شده و به جای آن یک حلقه دانش مطرح شده است، حلقه‌ای که نقطه آغاز و انجامی ندارد. (پروپدیا 15-9) جالب است، که برخلاف نظر وی در تقسیم‌بندی مطالب در بریتانیکا، مسئله سلسله مراتبی رعایت شده و از کلیت متنازل و پیچیدگی متصاعد آگوست کنت به نوعی تبعیت کرده است. او سپس ادامه می‌دهد: مسئله دوم که به آن پاسخ‌هایی هم داده شده، ارتباط علوم و هماهنگی آنها با هم در کشف حقیقت است. باز او معتقد است که یک اختلاف نظر کلی درباره وحدت حقیقت وجود دارد و سپس نتیجه‌گیری می‌کند که هر چیز ممکن است دارای بخشی از حقیقت باشد، اما نباید حقایق گوناگون را در کنار هم قرار داد. آنها باید دور از هم باشند، تا موجب برخورد و تضاد نشود. سومین سؤال که به عقیده نویسنده مقاله، اخیراً مطرح شده است این است که آیا باید علوم انسانی را در کنار سایر علوم قرار داد. او می‌گوید امروزه اعتقاد بر این است که باید علوم انسانی (زبان، ادبیات، هنر، تاریخ، فلسفه و مذهب) را در یک طرف و علوم طبیعی و اجتماعی را در طرف دیگر قرار داد، زیرا روش‌های بررسی هر یک با هم متفاوت است، ولی او از خود سؤال می‌کند که آیا واقعاً می‌توان این دو را از هم جدا کرد؟ آیا دو جهان وجود دارد؟ و سرانجام نتیجه‌گیری می‌کند که این ایمان است که به ما می‌گوید که جهان دانش یک جهان واحد برای گفتگو است (بریتانیکا، پروپدیا، ۴۷۷).

با این توضیحات مشخص می‌شود که هنوز در رابطه با طبقه‌بندی علوم سؤالات جدی وجود دارد. به بیان دیگر می‌توان پرسید که آیا سلسله مراتب در طبقه‌بندی علوم واقعاً رد شده است؟ آیا وحدت علوم برای رسیدن به حقیقت، امروزه منتفی

است؟ آیا علوم انسانی با علوم اجتماعی مابین است؟ آیا طرح طبقه‌بندی معمول که عمدتاً برگرفته از افکار ارسطو است، کامل و بی‌چون و چراست؟ آیا دیگر نمی‌توان طرح جدیدی برای طبقه‌بندی مطرح کرد؟ آیا از قرآن که خود منادی حقیقت و هدایت بشر برای رسیدن به حقیقت است، نمی‌توان طبقه‌بندی علوم را الهام گرفت؟

### ضرورت و فایده طرح:

از آنجاکه هنوز طرح جامع الاطرافی در طبقه‌بندی علوم عرضه نشده و عموم طرحها درباره طبقه‌بندی علوم به نوعی دارای تسامح، نقص و مبانی فکری خاص هستند و در عین حال جامعیت آنها زیر سؤال است، به نظر می‌رسد که طرح نظرات جدید می‌تواند راهگشا و مفید باشد. دست کم برای تحریک اذهان و استفاده از نظرات بزرگان، کاری مطلوب و پسندیده است. به نظر نگارنده این طرح جامعیت لازم را دارد و بویژه اینکه منبعث از آیات قرآن مجید و مطابق با اصول فطرت و آفرینش است.

فایده مهم طرح این است که برای موحدان و مؤمنان پشتوانه خوبی است. بسیاری کسانانی که این سؤال برایشان مطرح است که غیر از تقسیم‌بندی یونانی، آیا مسلمانان خود، جداگانه دارای تقسیم‌بندی و طبقه‌بندی برای علوم بوده‌اند؟ آیا قرآن خود بر این مسئله عنایت داشته است؟ آیا می‌توان از قرآن مجید در هر زمان استنتاج‌های لازم را نمود؟ پاسخ مثبت به این سؤالات فایده اصلی و عمده طرح است.

### تاریخچه طبقه‌بندی علوم:

اولین تقسیم‌بندی را به یونان و بویژه به افلاطون و ارسطو نسبت می‌دهند. تقسیم‌بندی ارسطویی معروف است. وی علوم را بر سه دسته تقسیم کرد و آن را

حکمت نظری و حکمت علمی و علوم آلیه نامید. از آن پس با نهضت ترجمه، علمای اسلامی و بویژه کندی، فارابی، ابن سینا، غزالی، و ... درباره رده‌بندی علوم بحث کرده‌اند. بعضی از دانشمندان به همه علوم توجه داشته‌اند. بعضی‌ها به دلایل علائق مذهبی، فقط به علوم شرعی عنایت کرده و از منظر شرع به سایر علوم نگریسته‌اند. بعضی‌ها با الهام از قرآن مجید و عقاید دینی بین آنچه از یونان آمده و آنچه در عقاید دینی وجود دارد تلفیقی به وجود آوردند. فارابی از این دسته افراد است (ابن حزم ۱۷)؛ ابن خلدون در مقدمه تاریخ عمومی خویش، گزارش جامعی از طبقه‌بندی علوم اسلامی پس از دوران بلوغ آورده است. در این بین، فرهنگ‌نویسان نیز به مسئله تقسیم‌بندی علوم توجه کرده‌اند. ابن ندیم، شمس الدین آملی، تهانوی، ابن اکفانی، و ابن حزم اندلسی از این دسته افرادند.

بعضی‌ها قواعدی برای طبقه‌بندی علوم وضع کردند؛ قاعده عموم و خصوص، توقف و اناطه، و اشرفیت از این نمونه است (ابن حزم، ۲۰-۲۱).

در مغرب زمین، افرادی چون فرانسیس بیکن، تقسیم‌بندی علوم را از ذهن انسان شروع می‌کند و به تبع ارسطو رشته‌های سه‌گانه فلسفه یعنی علم الهی، طبیعی و علم بشر را معرفی می‌کند که همچون درختی تمام شاخه‌های دیگر علوم از آن متفرع می‌شود (همان، ۲۳)؛ اگوست کنت بر حسب کلیت متنازل و تفصیل و پیچیدگی متصاعد علوم را طبقه‌بندی کرده است. یعنی هر چه وقایع بسیط و ساده‌تر باشند، کلی‌تراند و سادگی با کلیت نسبت مستقیم دارد (همان ۴-۲۳)؛ آمپر علوم را بر دو دسته تقسیم می‌کند، علوم جهانی و علوم عقلانی و هر یک به چهار دسته تقسیم می‌شوند. طبقه‌بندی هربرت اسپنسر که از طبقه‌بندی‌های قبل از خود انتقاد کرده است، در وهله اول به سه دسته تقسیم شده و علوم مجرد و علوم نیمه مجرد و علوم عینی نام گرفته است (همان، ص ۲۵).

در تقسیم‌بندی مسلمانان که عمدتاً به روش ارسطویی رفته‌اند (طاهری عراقی، ۸۲)، تقسیم‌های سه‌تایی بیشتر معمول بوده است؛ البته تقسیم‌بندی دوتایی نیز وجود

دارد (ابن حزم ۳۵). فارابی نخستین کسی است که علوم را به طریق امروز طبقه بندی کرده و حدود هر یک را نشان داده است. اگر چه کندی در قرن دوم این کار را شروع نموده است (مقدم، ۲۳۴).

در تنظیم دائرةالمعارف بریتانیکا ویرایش ۱۵ - که در عصر ما، دائرةالمعارف بی نظیر و نمونه است - روش سلسله مراتبی به نوعی ملحوظ شده و همچنان که آگوست کنت اشاره کرده، حکمت متنازل و پیچیدگی متصاعد مورد توجه قرار گرفته است. در این تقسیم بندی از ماده و انرژی شروع می شود و سپس به زمین، حیات بر روی زمین، زندگی انسان و جامعه انسانی، هنر، تکنولوژی و مذهب و تاریخ می پردازد و بخش پایانی را به شاخه های دانش در تفکر و ذهن انسانی اختصاص می دهد. در طبقه بندی دانش بشر در بخش دهم که به پنج بخش تقسیم شده ابتدا منطق، دوم ریاضیات، سوم علم، چهارم تاریخ و علوم و انسانی و در آخر فلسفه مورد بحث قرار گرفته است. (پروبدیا، ص ۱۵-۱۰)

### ویژگیهای طرحهای گذشته:

این مقاله بر آن نیست تا طرحهای گذشته را در رابطه با طبقه بندی علوم مورد بررسی و ارزیابی قرار دهد، اما لازم است، به این نکته توجه شود که همه طرحهای گذشته که محصول فکر بشر هستند، به نوعی دارای تسامح و قصورند. همه آنها طرحهایی هستند که مخلوق ذهن بشراند و این طرح نیز، تا آنجا که به فکر و ذهن نگارنده مربوط می شود، از این قاعده مستثنا نیست. فی المثل درباره طرح ارسطو که علوم را بر سه قسمت تقسیم کرده است، می توان پرسید که آیا در حکمت عملی، نظر مطرح نیست؟ و آیا اندیشه و نظر خود با عمل توأم نیست؟ اگر نیست، چگونه شناخته می شود؟ آیا عمل در اندیشه نظری، همان محصول فکری و ارائه، نگارش و انتقال آن نیست؟ آیا اندیشه ذهنی را نمی توان نوعی کار و عمل فکری به حساب آورد؟ و یا در حکمت عملی که در واقع نسبت به حکمت نظری سبک وزن تر به



حساب آمده، نظر و اندیشه مطرح نیست؟

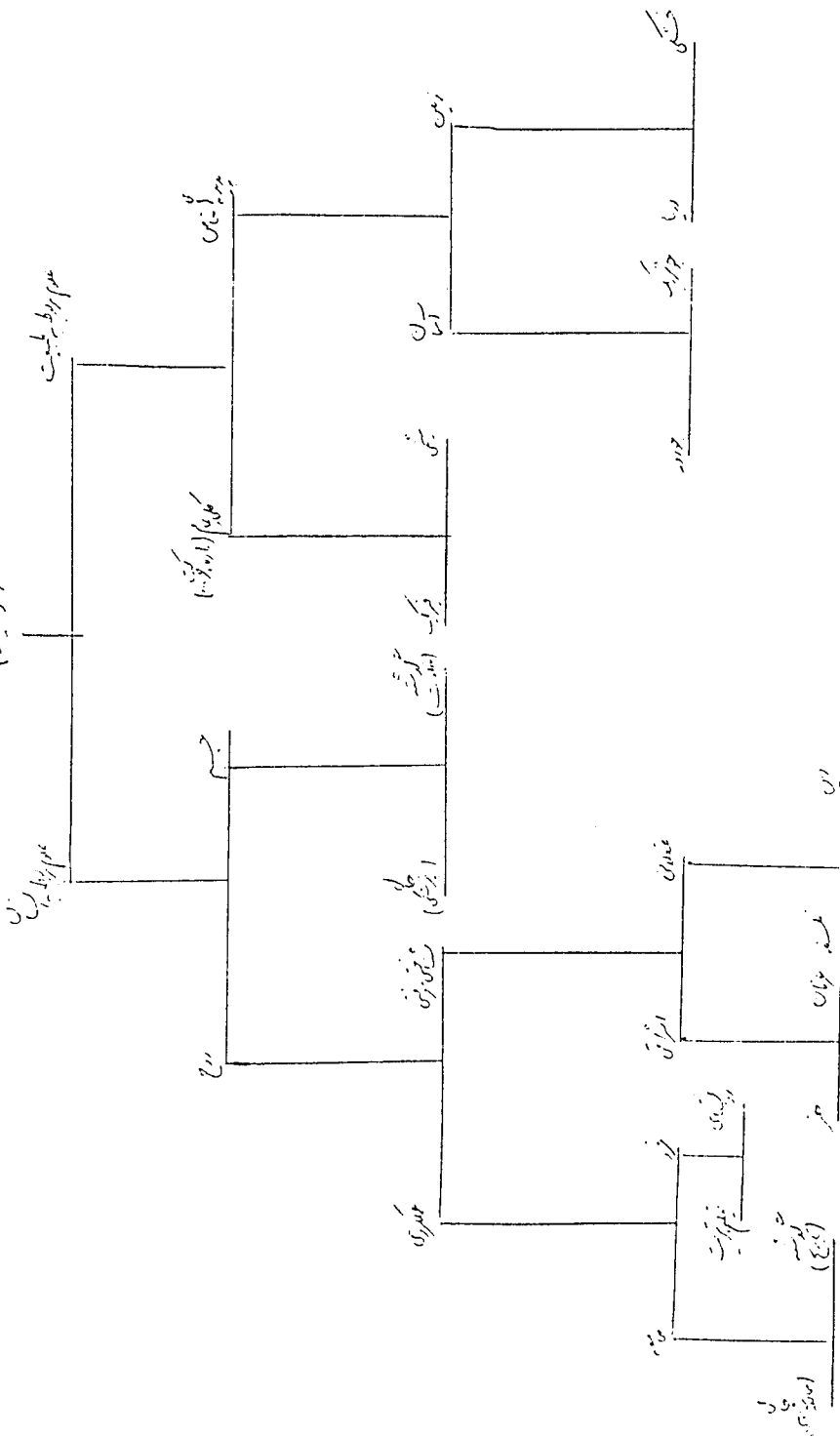
از گروهی که علوم را به عقلی و نقلی تقسیم کرده‌اند می‌توان پرسید که آیا در علوم عقلی، نقل مطرح نیست و متقابلاً در علوم نقلی، عقل دخالت ندارد؟ یا آنهایی که علوم را به دنیا و آخرت تقسیم کرده‌اند، آیا بین دنیا و آخرت می‌توان تفاوتی قائل شد؟ آیا دنیا و آخرت در ارتباط با یکدیگر نیستند؟ آیا آخرت ادامه دنیا نیست؟ چگونه می‌توان علوم دنیایی را از علوم آخرتی جدا کرد؟ آنهایی که علوم را به علوم اوائل و علوم اواخر تقسیم کرده‌اند، در واقع یک تقسیم‌بندی زمانی کرده‌اند، آیا علوم مربوط به اوائل در علوم اواخر تأثیر و نفوذی ندارد؟ همچنین غزالی که علوم را بر دو دسته، علوم فرض و علوم کفایت تقسیم می‌کند، خارج از این دو، علوم دیگری یافت نمی‌شود؟ (طاهری عراقی، ۸۲)

### توضیحاتی درباره این طرح

این طرح کلاً برگرفته از قرآن مجید است؛ پایه‌های اصلی آن آیات قرآن است و نگارنده به لطف خدا از مطالعه آیات قرآن به این نتیجه رسیده است. در این طرح نقطه شروع ارائه آیات الهی برای وصول و یا ایصال به حق است. خدا می‌فرماید: به زودی آیات خویش را در آفاق و در انفس نشان خواهیم داد تا برای آنان مشخص شود که او [خدا] حق است. (فصلت، ۵۳) به عبارت دیگر ارائه آیات از دو طریق سیر در آفاق (جهان) و سیر در انفس (انسان و جوامع انسانی) شروع می‌شود، از آن پس تقسیمات براساس آنچه در طبیعت وجود دارد پیش می‌رود، بدین معنا که در تقسیم علوم طبیعت (جهان)، علوم مربوط به زمین و آسمان؛ در تقسیم علوم زمین، علوم مربوط به خشکی و دریا و در تقسیم علوم مربوط به آسمان، علوم مربوط به جو نزدیک و جو دور مطرح می‌شود و سپس ادامه می‌یابد. در بخش مربوط به زمین، قوانین فیزیک و شیمی و در بخش علوم مربوط به آسمان‌ها، علم هیئت و نجوم آمده است. در مورد علوم مربوط به انسان

نیز، تقسیم اولیه آن به علوم مربوط به جسم و روح و سپس هر یک به شاخه‌هایی دیگر تقسیم می‌شوند. توضیح اینکه علوم مربوط به جسم انسان یا مربوط به گذشته است که شامل خلقت و باستان‌شناسی می‌شود و یا علوم مربوط به وضعیت جسم در زمان حال است که شامل علم پزشکی می‌شود. علوم مربوط به روح نیز یا مربوط به قدرت شناختی و معرفتی روح یا قدرت عملکردی او در جامعه است و هر یک باز به دو قسم تقسیم می‌شوند. قابل ذکر است که در قرآن بیش از هر چیز به عمل و عملکرد انسان توجه شده و آیات قرآن عموماً به صورت فعل آمده و این نشان از اهمیت فعل و عمل در منطق قرآن و زندگی بشری دارد. علوم شناختی و معرفتی روح یا عقلانی است که شامل معرفت دینی و فلسفی می‌شود، (ریاضیات و منطق چون محصول فکر بشری است در این قسمت مطرح می‌شود) و یا مربوط به قدرت شناخت اشراقی روح است که شامل عرفان و هنر می‌گردد. علوم مربوط به جنبه عملکردی روح نیز یا فردی است که شامل روانشناسی و علوم رفتاری و تعلیم و تربیت می‌شود و یا مربوط به جنبه عملکردی روح در جامعه است، باز به دو قسم می‌شود که یا مربوط به گذشته است که شامل تاریخ سیاسی و تاریخ ادبیات و فرهنگ می‌شود؛ زیرا بررسی تاریخ در منطق قرآن، صرفاً بررسی زندگی حکومتگران نیست، بلکه بررسی مجموعه زندگی و آثار گذشتگان اعم از زندگی سیاسی، اجتماعی و فرهنگی است که شامل تاریخ فرهنگ و ادبیات هم می‌شود، و یا مربوط به حال است که باز، به دو قسمت سیاسی و اجتماعی تقسیم می‌شود. بخش سیاسی آن باز به دو قسمت سیاست و اقتصاد و بخش اجتماعی آن به دو قسمت جامعه‌شناسی و ارتباطات فرهنگی تقسیم می‌شود. به نمودار صفحه بعد که حاوی اصلی‌ترین تقسیم‌بندی علوم در این طرح است توجه کنید:

المانهاست برای سبک طبقه بندی (توحید)



نمودار ۱: تقسیم بندی کلی و اولیه علوم





### منطق نظری این طرح:

این طرح، حاصل اندیشه بسیار در طول سالهای تدریس درس مرجع شناسی و بویژه در بخش فرهنگنامه‌ها در دانشگاه تهران در مقطع کارشناسی ارشد و کارشناسی است و نیز پاسخ به پرسش بسیاری از دانشجویان علاقه‌مند درباره چگونگی و اهمیت طبقه‌بندی علوم در نزد مسلمانان و نیز طبقه‌بندی کتابخانه‌ای است. در مقاله‌ای که درباره حکیم ملاصدرا تحت عنوان «ملاصدرا از دیدگاه منابع مرجع داخلی و خارجی» نگاشته شد، بحث حق و حقیقت و رسیدن به آن، بار دیگر نظر نگارنده را به خود جلب کرد. با مراجعه به آیه شریفه ۵۳ در سوره فصلت و با مراجعه به تفاسیر گوناگون، از جمله: مجمع البیان و المیزان این نکات مشخص شد:

۱- حق و حقیقت و سرچشمه همه خیرها خداست و وحدانیت از اصل حق و اقرار به وحدانیت او تنها راه وصول به حقیقت است زیرا، خدا در قرآن فرموده است:

افی الله شک فاطر السموات و الارض کلمة الله هی العلیا. (۹/۴۰)

ولئن سئلتهم من خلق السموات و الارض ليقولن الله. (۴۳/۹)

۲- خدا برای راهنمایی بشر به سوی حق و حقیقت، آیات خویش را به بشر ارائه داده است. بشر هیچ نمی‌دانسته است که: "کنتم فی بطون امهاتکم لاتعلمون شیئا" و به او چشم و گوش داد تا ببیند و بشنود که "جعل لکم السمع و..." و این آیات و نشانه‌ها که همان خلقت و آفرینش خداست، ازدو طریق آفاق و انفس به بشر ارائه می‌شود.

۳- تفسیر مجمع البیان در ذیل آیه "سنریهم آیاتنا..." چنین می‌فرماید:

احدها: ان المعنی سنریهم حججنا و دلائلنا علی التوحید فی آفاق العالم و اقطار السماء و الارض من الشمس و القمر و النجوم و النبات و الاشجار و البحار و الجبال و فی انفسهم و ما فیها من لطائف الصنعه و بدایع الحکمه - حتی نبین لهم ای یظهر لهم انه الحق - ای ان الله هو الحق.

۴- با مراجعه به آیات دیگر قرآن از جمله آیاتی که با "و من آیاته" شروع

می‌شود، که عمدتاً در سوره روم است و یکی در سوره شوری، مشخص می‌شود که این آیات عمدتاً همان (خلقت) آسمان و زمین و مابین آنها است. اینک این آیات: روم / ۲۰: «و من آیاته ان خلقکم من تراب ثم اذا انتم بشر تنتشرون». و از آیات او این است که شما را از خاک آفرید، سپس شما با [توالد و تناسل] پراکنده گشتید.

روم / ۲۱: «و من آیاته ان خلق لکم من انفسکم ازواجاً لتسکنوا الیها و جعل بینکم مودة و رحمة ان فی ذلک لآیات لقوم یتفکرون». و از نشانه‌های او این است که از خودتان همسرانتان را آفرید تا در آن آرام‌گیرید و بین شما مودت و رحمت قرار داد. همانا در آن نشانه‌هایی برای قومی است که تفکر می‌کنند.

روم / ۲۲: «و من آیاته خلق السموات و الارض و اختلاف السننکم و الوانکم ان فی ذلک لآیات للعالمین». و از نشانه‌های او آفرینش آسمانها و زمین و گوناگونی زبان‌ها و رنگه‌ایان است. همانا در آن نشانه‌هایی برای دانایان است.

روم / ۲۳: «و من آیاته منامکم باللیل و النهار و ابتغواکم من فضله ان فی ذلک لآیات لقوم یسمعون». و از نشانه‌های او خواب و استراحت شما در شب و فراهم آوری رزق و روزی از فضل او در روز است. همانا در آن آیاتی برای آنانی است که می‌شنوند.

روم / ۲۴: «و من آیاته ان یریکم البرق خوفاً و طمعاً و ینزل من السماء ماء لیحیی به الارض بعد موتها ان فی ذلک لآیات لقوم یعقلون». و از نشانه‌های او ارائه برق (نور) است که در آن بیم و امید (طمع) است و اینکه از آسمان آب می‌فرستد، تا با آن زمین را پس از مرگش زنده کند. همانا در آن نشانه‌هایی برای قومی است که تعقل می‌کنند.

روم / ۲۵: «و من آیاته ان تقوم السماء و الارض بامرہ ثم اذا دعاکم دعوة من

الارض اذا اتم تخرجون».

و از نشانه‌های او بر پاداشتن آسمان و زمین به امر (قدرت) اوست. سپس چون دعوتی از زمین شما را بخواهد [در روز محشر] از آن خارج می‌شوید. در سه آیه از این آیات، خلقت و آفرینش طرح می‌شود، خلق انسان از خاک و خلق آسمان‌ها و زمین که این مطلب پایه اولیه طرح را تشکیل می‌دهد. در همین سه آیه اولیه انتشار بشر در روی زمین، آفرینش همسران (برای تشکیل خانواده و اجتماع) به منظور ایجاد آرامش در کنار او، برقراری و جعل دوستی و رحمت در بین آنها (هسته‌های اولیه زندگی) و نیز گوناگونی زبانها و رنگها برای آنانی که می‌خواهند بدانند [با آموزش زبان یکدیگر و پذیرش اختلاف رنگهای دیگران برای برقراری رابطه اجتماعی] طرح می‌شود.

در سه آیه بعد، استراحت در شب، تلاش و تکاپو در روز، زندگی توأم با بیم و امید برای تلاش و کوشش در زندگی اجتماعی و توجه به فرو فرستادن آب از آسمان [توجه به جو نزدیک آسمان] و احیای زمین با آب باران [اشاره به قوانین موجود در پدیده‌های طبیعت از قوانین فیزیکی، شیمیایی و زیست‌شناختی] و بر پاداشتن آسمان در زمین به امر او [اشاره به وجود نیروهای نامریی و قوانین] مطرح می‌شود. در پایان آیات ۲۱ تا ۲۴، چهار کلمه یتفكرون، عالمین، یسمعون و یعقلون آمده است که ترتیب آنها جالب توجه است که نخست فکر، پس از فکر علم، پس از آن آمادگی برای شنیدن و سرانجام تعقل به عنوان نتیجه مطرح می‌شود. ضمن اینکه هر یک از این کلمات با آیات مربوط نیز تناسب لازم را دارد.

شوری / ۲۸: «و من آیاته خلق السموات والارض و ما بئ فیهما من دابة و هو علی جمعم اذا یشاء قدیر».

و از آیات قدرت او، آفرینش آسمانها و زمین است و آنچه در آن از انواع جنندگان پراکنده است و او بر جمع آنها هر وقت بخواهد تواناست. شوری / ۳۱ و ۳۲: «و من آیاته الجوار فی البحر کالاعلام. ان یشاء یسکن الريح



فیظللن رواكد علی ظهره ان فی ذلک لآیات لکل صبار شکور».

و از آیات او سیر و گردش کشتی‌ها در دریاهاست که چون قصرها به حرکت در آید. اگر بخواهد باد را ساکن خواهد کرد تا کشتی‌ها از جنبش بازایستند همانا در آن نشانه‌هایی برای هر صبور شکرگزار است.

آیه ۱۶۴ بقره نیز آیات خدا را همین پدیده‌های یادشده با سیاقی دیگر بیان می‌کند: «ان فی خلق السموات و الارض و اختلاف الليل و النهار و الفلک التی تجری فی البحر بما ینفع الناس و ما انزل الله من السماء من ماء فاحیا به الارض بعد موتها و بث فیها من کل دابه و تصریف الریاح و السحاب المسخر بین السماء و الارض لآیات لقوم یعقلون». همانا در آفرینش آسمان‌ها و زمین و گردش شب و روز و حرکت کشتی در دریا در آنچه منافع مردم در آن است و آبی که خدا از آسمان می‌فرستد تا زمین را پس از مرگ آن زنده کند و پراکنش هر نوع جنبده در روی زمین و جریان‌ها و ابرهای در بین آسمان و زمین، نشانه‌هایی است برای آنانکه تعقل می‌کنند.

ملاحظه می‌شود عناصری که در آیات الهی برای فهم، درک، تفکر و تعقل بشر برای رسیدن به حقیقت و درک وحدانیت خدا که موجد نظم و انتظام در جریان آفرینش است، عبارتند از خلق انسان، آسمان‌ها، زمین، گردش شب و روز، زندگی خانوادگی، خشکی، دریا، حرکت کشتی در دریا (با قوانین حاکم بر آن)، گسترش و پراکنش انواع جنبندگان بر روی زمین، انزال آب از آسمان و احیای زمین پس از مرگ [با قوانین زیست‌شناختی و فیزیکی و شیمیایی]، استقرار ابرها در بین زمین و آسمان [با قانون مربوط به خود]، حرکت [یادها و قوانین حاکم بر آنها]، برقراری دوستی و محبت بین انسان‌ها، جلب منفعت از دریاها [برای مردم]، استراحت مردم در شب و تلاش در روز. این آیات همگی ساختار اولیه طرح طبقه‌بندی جدید علوم را تشکیل می‌دهند. در این طرح شناخت علمی مقدم بر شناخت فلسفی است. دیدن و شنیدن آیات الهی و پذیرش آن به عنوان نشانه‌های آیات الهی و قبول وحدانیت او و سپس تشکیل نظام شناختی فلسفی جامع و کامل برای تحلیل کل

نظام هستی از ویژگی‌های این طرح است.

بر خلاف آنچه که احتمالاً نظریه تقسیم‌بندی دوتایی علوم را حاصل نهضت ترجمه می‌داند، (ابن حزم، ۱۶) تقسیم‌بندی دوتایی در قرآن مجید رایج‌ترین تقسیمات است. آیاتی که حاوی کلماتی نظیر، آسمان و زمین، موت و حیات، دنیا و آخرت، کفر و ایمان، شمس و قمر، لیل و نهار، نور و ظلمت، احیاء و اموات، اللذین یعلمون و الذین لایعلمون، فجّار و کفّار، نعیم و حجیم، اصحاب الجنة و اصحاب النار، ابيضت و جوههم و اسودت و جوههم و برّ و بحر و... بیانگر این تقسیم‌بندی دوتایی است. همچنین در سوره فصلت، خلق زمین و آسمان را در دو آیه جداگانه در روز (یومین) مطرح می‌کند. (فصلت آیات ۸ و ۱۱) البته نگارنده بنا و اصرار ندارد که تا آخرین مرحله تقسیم دوتایی را ادامه دهد، ولی تا آنجا که امکان آن باشد و اشاراتی نیز از قرآن مجید آن را تأیید کند، آن را اجرا خواهد کرد. همچنین تقسیم‌بندی دودویی در همه موارد صرفاً به معنای تقابل صرف نیست، مثلاً شب و روز و موت و حیات در تقابل کاملند، دنیا و آخرت در حالی که دو مقوله جداگانه‌اند، در برخی از موارد می‌توانند در جهت هم و مکمل یکدیگر باشند، ولی از پاره‌ای حیثیت‌ها می‌توانند قسیم یکدیگر باشند. این امر در تقسیم‌بندی‌های دانشمندان گذشته نیز به وفور دیده می‌شود.

### ویژگی‌های این طرح:

تقسیم‌بندی این طرح به لحاظ ساختاری قابل توجه است. در این ساختار درخت آفرینش مطرح است؛ همچنان که خدا خلقت اولیه آسمان و زمین را با تغییر آفاق (دود) و خلقت اولیه بشر را از "صلصال کالفخّار" می‌داند که پس از تسویه از روح منسوب به خویش در آن می‌دمد، و سپس مراحل تکاملی را طی می‌کند. در این طرح نیز این وضعیت به خوبی مشهود است.

به لحاظ روش نیز این طبقه‌بندی قابل توجه است، زیرا همان روش را اتخاذ کرده

که خداوند در قرآن برای ارشاد بشر و راهنمایی او به سوی درک حق و حقیقت انتخاب نموده است. این طبقه‌بندی قابل توجه است، زیرا موضوعات تقسیم‌بندی عمدتاً همان پدیده‌های همیشه‌آشنای بشر در زندگی عادی و هر روزه است. اگر طبقه‌بندی را به لحاظ غایت نیز در نظر بگیریم، باز قابل توجه و توجیه است؛ زیرا غایت این طبقه‌بندی رسیدن به حق و حقیقت که همانا شناخت خدا و درک عظمت اوست.

این طرح علاوه بر دارا بودن مزایای طرحهای قبلی دارای ویژگی‌های جدیدی نیز هست. مزایای مشترک این طرح با طرحهای گذشته عبارتند از:

۱- این طرح دارای خاصیت سلسله‌مراتبی است، بر خلاف آنچه مقاله بخش دهم پرویدیا، منکر ضرورت آن شده است.

۲- این طرح دارای ویژگی کلیت‌متنازل و پیچیدگی متصاعد است؛ همچنان‌که اگوست کنت نیز در طرح خویش آورده است.

۳- قاعده‌اناطه و توقف که خاصه طبقه‌بندی‌های اسلامی نیز هست، در این طرح وجود دارد. بدین معنی که علوم بعدی بر علوم قبلی توقف دارد.

۴- قاعده اشرفیت نیز به مقدار زیادی رعایت شده است. بویژه وحی الهی و قرآن کتاب آسمانی که سرچشمه همه علوم است، در راس و سپس علوم مربوط به طبیعت و انسان پس از آن قرار گرفته و علم جسم و روح مقدم بر همه علوم انسانی قرار دارد.

۵- وحدت علم نیز از مزایای این طرح طبقه‌بندی است؛ همچنان‌که در طبقه‌بندی گذشته نیز مطرح بوده است. اگر چه در دائرةالمعارف بریتانیکا (پرویدیا) این مسئله رازیر سؤال برده است. (پرویدیا، ۴۷۷)

علاوه بر موارد یاد شده، این طرح دارای مزایای دیگری است بدین قرار:

۱- نظام دودویی: این طرح عمدتاً بر نظام دودویی استوار است.

۲- توجه خاص به انسان: در این طرح توجه و امتیاز خاص به انسان داده شده

- است، با آنکه طبیعت و انسان قیم هم نیستند، ولی به خاطر اهمیت آن در یک شاخه کلی قرار گرفته است، زیرا انسان خلیفه خدا در زمین است و تمام این بحث‌ها به خاطر اوست.
- ۳- اتکا بر عناصر اصلی طبیعت: اتکای عمده این طرح بر عناصر اصلی طبیعت و انسان است، موضوعاتی چون زمین، آسمان، خشکی، دریا، جسم و روح انسان و ... تقسیمات اولیه و کلی این طرح هستند.
- ۴- سادگی: ساده است، زیرا عناصر این طرح همان عناصر پدیده‌های موجود در طبیعت است که هر انسانی با آن همواره سروکار دارد و تقسیمات آن نیز طبیعی و عادی است.
- ۵- عمومیت: عمومیت دارد، زیرا همه از عالی و دانی آن را می‌فهمند و عالم و حاصل به اندازه فهم خویش از آن بهره می‌گیرد.
- ۶- جامعیت و شمول: جامع و شامل است زیرا همه عناصر طبیعت و انسان را در برمی‌گیرد و هیچ مسئله‌ای را فروگذار نکرده است.
- ۷- جهانی است: جهانی بودن در عین اینکه برگرفته از قرآن است، ولی همه مردم جهان بویژه مردم موحد می‌توانند از آن استفاده کنند و حتی کسانی که اعتقاد به خدا هم ندارند می‌توانند از جامعیت طرح بهره‌گیرند. حقیقت مطلق در نظر هر قوم و دسته‌ای می‌تواند مبنای اولیه تقسیم‌بندی برای آنها باشد و در رأس قرار گیرد.
- ۸- ملهم از قرآن اتکای عمده آن بر آیات قرآن مجید است.
- ۹- شکستن انحصار: این طرح طبقه‌بندی علوم را از انحصار یونان بیرون می‌آورد.
- ۱۰- توجه به خالقیت انسان: همچنان که خدا خالق همه چیز است، در این طرح، انسان نیز به عنوان خالق اندیشه و و تفکر خویش نقش عمده‌ای دارد و بخش مهمی از طرح طبقه‌بندی به وی اختصاص دارد. دائرةالمعارف بریتانیکا نیز انسان را به عنوان سازنده، داننده اشیاء و جوینده معرفی کرده است (پروپدیا، ۴۷۵).
- ۱۱- توجه خاص به علم پزشکی در این طرح علم پزشکی هم به عنوان یکی از

علوم انسانی معرفی شده، در حالی که در بسیاری از تقسیم‌بندی‌ها آن را در شمار علوم انسانی مصطلح نیاورده است.

۱۲- همراهی عقل و نقل: در این طرح عقل و نقل با هم عجین‌اند. هر تفکر عقلی بهره‌ای از نقل دارد و هیچ نقلی فارغ از عقل نیست.

۱۳- همراهی علوم اوائل و اواخر: علوم اوائل و اواخر با هم و در کنار هم‌اند زیرا بشریت همواره در طول زمان نیازمند همه علوم و شناخت آن بوده است.

۱۴- همراهی نظر و عمل: در این طرح به جنبه عملکردی روح که بخش وسیعی از علوم را در برمی‌گیرد، اهمیت ویژه‌ای داده شده است. زیرا انسان بدون عمل، واقعیت و تمامیت ندارد.

۱۵- تقدم تفکر علمی بر تفکر فلسفی: تقسیم‌بندی علم از جمع‌بندی ذهن فیلسوف نشأت نگرفته است، همچنان که ارسطو اساس حکمت را آموخته‌ها و دانسته‌های خویش می‌داند و یا شناخت را، از اندیشه خویشان آغاز می‌کند. به عبارت دیگر، تقسیم‌بندی و طبقه‌بندی علوم بر معیار آنچه هست سامان یافته است. خدا در قرآن می‌فرماید: شما در شکم‌های مادرانتان بودید و هیچ نمی‌دانستید و به شما چشم و گوش داد... بشر با چشم و گوش، جهان طبیعت و خویش را می‌بیند و معرفت و شناخت علمی مقدم بر شناخت فلسفی و حتی دینی او شکل می‌گیرد. آیات الهی را می‌بیند و می‌شنود و تنها فلاسفه و دانشمندان هستند که براساس یافته‌های خویش، استنتاج می‌کنند. این طبقه‌بندی نیاز به هیچ‌گونه استنتاجات فلسفی ندارد. عین فطرت و خلقت است و همه کس در همه حال آن را می‌فهمد و می‌پذیرد.

#### نتیجه:

بحث درباره طبقه‌بندی یک بحث ریشه‌دار، قدیمی و بسیار مهم است. نگارنده نیز هیچ داعیه‌ای ندارد و صرفاً برداشتهای خویش را به طور کاملاً فشرده مطرح

نموده است و به خوبی می‌داند که قرآن کتاب طبقه‌بندی نیست و قرآن و رای همه این مسائل است. در هر حال در طول تاریخ، بسیاری در این باره مطالب نوشته و قلم‌فرسایی کرده و نظراتی ابراز داشته‌اند. این طرح طبقه‌بندی نیز قطعاً دارای نواقصی است، ولی امید است با اشارات صاحب‌نظران و با حسن نظری که خواهند داشت، بتواند به عنوان طرحی نو در طبقه‌بندی اسلامی مطرح شود. قطعاً چنانچه مقبول طبع اهل نظر قرار گیرد، می‌توان از آن نتایج بسیار مثبت دیگری انتظار داشت، طرح موضوع بندی دائرةالمعارف‌ها و از آن مهمتر طرح طبقه‌بندی کتابخانه‌ها، مهم‌ترین دستاورد این طرح است که امید است به زودی درباره آن هم مطالبی عرضه شود.

### منابع :

- ۱- قرآن مجید.
- ۲- ابن حزم اندلسی، علی بن احمد بن حزم، مراتب‌العلوم، تحقیق احسان عباس، ترجمه محمد علی خاکساری، مشهد، بنیاد پژوهش‌های اسلامی، ۱۳۶۹.
- ۳- الحکیمی، محمد رضا، محمد الحکیمی و علی الحکیمی، الحیاء، تهران، مکتبه‌النشرالثقافة الاسلامیه، ۱۳۶۷.
- ۴- سجادی، محمد جعفر، مقدمه‌ای بر شناخت علوم اسلامی.
- ۵- طاهری عراقی، احمد، ۱۳۶۳، تقسیم بندی علوم از نظر غزالی، معارف، ۳ (۱۳۶۳) ص ۸۱-۸۹.
- ۶- طباطبایی، محمد حسین، المیزان فی تفسیرالقرآن، قم؟، ۱۳۹۳ ق.
- ۷- طبرسی، ابوعلی فضل بن حسن، ق ۶، مجمع‌البیان فی تفسیرالقرآن، صححه و علق علیه هاشم رسولی محلاتی، تهران. مکتبه الاسلامیه، بی تا.
- ۸- لایبوم، ژول، تفصیل‌الایات القرآن الحکیم به انضمام المستدرک، گردآورنده ادوارد مونتیه، مترجم از فرانسه به عربی محمد فواد عبدالباقی ترجمه فارسی آیات از مهدی الهی قمشه‌ای، تهران، کتابفروشی اسلامی، ۱۳۷۰.
- ۹- مقدم، محمد باقر، درآمدی بر رده‌بندی علوم، قم، کتابخانه آیت‌الله مرعشی، ۱۳۷۳.
- 10- The new Encyclopedin Britanica. Propeadia, Outline of knowledge and Guide to Britanica. Chicaga, Encyclopedia, Britanica, 1998.